

رنامه‌ریزی برای آینده در ضمن اعتماد به تدارکات خداوند نویسنده: مایک املت

خداوند به راستی حاکم است. و من در حقیقت مسئول زندگی کردن مطابق اراده‌ی آشکار خداوند هستم. او همه چیز را با دست راست عدالت خود حفظ می‌کند (اشعیا ۴۰: ۱۰؛ عبرانیان ۱: ۳). و آنچه با دست خود انجام می‌دهم اهمیت دارد (متی، ۵: ۳۰). تصدیق هر دو مورد حاکمیت خداوند و مسئولیت انسانی به عنوان تعالیم کتاب مقدس بخش موضوع است، اما چگونه وفادارانه با این حقایق به‌صورتی متعادل به زندگی روزمره ادامه دهیم؟

واقعیت این است، ما پیوسته در تنشی تجربی میان حاکمیت خداوند و مسئولیت خود، بین دعوت به اعتماد و دعوت به عمل زندگی می‌کنیم. این یک مثال پیش‌پاافتاده است: من زنگ ساعت خود را تنظیم کردم تا امروز صبح از خواب بیدار شوم. شما احتمالاً این را به عنوان عمل بی‌اعتمادی محض به مشیت خداوند تشخیص نمی‌دهید. من برنامه‌ریزی کردم. تصور نکردم که خداوند من را به‌طور فراطبیعی در ساعت ۵:۳۰ صبح بیدار می‌کند. از سوی دیگر، من به خداوند وابسته بودم برای خواب باکیفیت، حفظ زندگی در هنگام خواب و همچنین دقت مکانیکی ساعت زنگ‌دار و شبکه برقی که نیروی آن را تأمین می‌کند. من فراخوانده شدم تا در جهانی زندگی کنم که خداوند حاکم است و اعمال من اهمیت دارند.

قدرت، محرزپنداری یا تدبیر؟

با این حال از تعادل خارج شدن و دستخوش "حالت قدرت" یا "حالت محرزپنداری" قرار گرفتن، آسان است. در حالت قدرت، ما مسئولیت زندگی خود را برعهده می‌گیریم گویی مسئولیت انسان تنها بخشی از این معادله است. برنامه‌ریزی بیش از حد در این سناریو معمول است. در اینجا عدم وجود عملکرد یک خدای حاکم وجود دارد- ما، البته، حاکمیت خداوند را تصدیق می‌کنیم، اما عملاً می‌گوییم، تاثیری بر زندگی روزمره‌ی ما نمی‌گذارد. از سوی دیگر، تاکید بسیار زیادی بر علل ثانویه وجود دارد. در نتیجه‌ی این عدم تعادل، ممکن است دچار اضطراب، ترس، کنترل افراطی، مسئولیت بیش از حد، کمال‌گرایی و عصبانیت شویم. چرا؟ چون فکر می‌کنیم همه چیز به خود ما بستگی دارد.

در حالت محرزپنداری، زندگی خود را رها می‌کنیم گویی که حق حاکمیت خداوند تنها بخشی از این معادله است. برنامه‌ریزی اندک یا عدم آن متداول است. در اینجا تاکید بر جسته بر حاکمیت خداوند اما عدم وجود عملکرد دلایل ثانویه وجود دارد. در نتیجه‌ی این عدم تعادل، ممکن است وسوسه به سوی تنبلی، انفعال، تالم‌ناپذیری، تقدیرگرایی و بلا تکلیفی شویم. چرا؟ چون فکر می‌کنیم همه چیز به خدا بستگی دارد.

کلام خداوند از هر دو حالت افراطی مبراً است. از ما خواسته شده است که نه با قدرت و نه با محرزپنداری زندگی کنیم. کلام خداوند گزینه‌ی دیگری در اختیار می‌گذارد: تدبیر. تدبیر شامل برنامه‌ریزی عاقلانه و دین‌دارانه است.

این ویژگی با دیدی منسجم در مورد حاکمیت و مشیت خداوند مشخص می‌شود- او مسئول است. به‌علاوه، تاکید مناسبی بر علل ثانویه دارد- من نیز مسئول هستم. این تاکید دوگانه را در کل کتاب مقدس مشاهده می‌کنیم. بارها و بارها، کتاب مقدس ما را فرا می‌خواند تا به مراقبت وابسته به مشیت خداوند اعتماد کنیم و خوب برنامه‌ریزی کنیم و در زمینه‌های مختلف زندگی سخت کار کنیم. من می‌خواهم به بررسی موشکافانه‌ی حیطه‌ای خاص بپردازم: تأمین مادی برای خود و خانواده‌هایمان در حالی که کارهای خود را به توجه خداوند می‌سپاریم.

تدارکات مادی

به‌طور ذاتی نقش ما به عنوان حاملان شباهت به خداوند این است که در کاری هدفمند مشغول باشیم. خداوند باغ عدن را بنا نهاد اما آدم قرار بود "کار آن را بکند و آن را محافظت نماید." (پیدایش ۲: ۸، ۱۵). در حالی که سقوط کار را طاق‌فرسا کرد (۳: ۱۷-۱۹)، تلاش برای تأمین خود، خانواده و سایر افراد نیازمند، به‌صورت هنجار برای ما باقی می‌ماند.

حتی در بیابان هنگامی که خداوند به‌طور معجزه‌آسایی نان آسمانی برای بنی‌اسرائیل فراهم نمود، از آنها خواسته شد که به جمع‌آوری و تهیه‌ی روزانه‌ی آن مطابق با اراده‌ی آشکار خدا و فرمان او بپردازند (خروج، ۱۶). آنها هر روز صبح به میزان کافی برای روز پیش‌رو جمع‌آوری می‌کردند مگر در روز ششم، زمانی که خداوند دو سهم مقرر نمود زیرا آنها در روز هفتم استراحت می‌کردند. آن کسانی که به شرط خداوند بدگمان بودند و با تلاش برای ذخیره‌ی مَنّا در شب هنگام آخر هفته یا با بیرون رفتن و جمع‌آوری در روز شنبه نکوهش خداوند را تجربه کردند. خداوند به‌طور مطلق عنایت کرد و افراد با انجام اطاعت عملی پاسخ دادند، و آنچه را که او فراهم کرد مراقبت کردند. کار ما دارای اهمیت است، اما با اعمال مشیت خداوند تقویت می‌شود.

در نقش خود به‌عنوان مباشر، خداوند به ما در مقابل تنبلی که منجر به فقر می‌شود، هشدار می‌دهد (امثال سلیمان، ۶: ۶-۱۱)، به ما می‌گوید به آرامی کار کنیم و زندگی خود را تأمین کنیم (اول تسالونیکیان، ۴: ۱۱-۱۲)؛ دوم تسالونیکیان، ۳: ۶-۱۲)، و به ما توصیه می‌کند که برای اعضای خانواده‌ی خود (اول تیموتائوس، ۵: ۸) و برای آنها که نیازمندند، مهیا نماییم (افسیسیان، ۴: ۲۸) حتی پولس رسول به‌عنوان یک خیمه‌دوز بسیار می‌کوشید تا برای کلیساهای نوپایی که بنا کرده بود سربار نباشد (اعمال رسولان، ۱۸: ۳؛ اول تسالونیکیان ۲: ۹).

در عین حال، خداوند مردم خود را فرا می‌خواند تا به یاد بسپارند که او تأمین‌کننده‌ی غایی آنها است. هنگامی که بنی‌اسرائیل به کنعان رسیدند، تدارکات معجزه‌آسای خداوند متوقف شد و آنها باید کار زراعت زمین را انجام می‌دادند (خروج ۱۶: ۳۵). با این حال، خداوند هشدار داد، "مبادا در دل خود بگویی که قوت من و توانایی دست من، این توانگری را از برایم پیدا کرده است. بلکه یهوه خدای خود را بیاد آور، زیرا اوست که به تو قوت می‌دهد تا توانگری پیدا نمایی، تا عهد خود را که برای پدرانت قسم خورده بود، استوار بدارد، چنانکه امروز شده است." (تثنیه، ۸: ۱۷-۱۸). ما تنها می‌توانیم آنچه را که او ممکن ساخته است به‌دست آوریم (مزمور ۱۲۷: ۱-۲). به‌علاوه،

عیسی به ما یادآور می‌شود که نگران تدارکات مادی نباشیم زیرا که پدر از ما مراقبت می‌کند، نیازهای ما را می‌داند، و قبلاً بزرگترین موهبت تمام ملکوت خود را به ما عطا کرده‌است (لوقا ۱۲: ۲۲-۳۲). در نتیجه، عیسی ما را تشویق می‌کند که نسبت به داشته‌های مادی خود سخاوتمند باشیم از آن جهت که به تدارکات پدر خود اطمینان داریم (آیات ۳۳-۳۴).

بنابراین، این کاری درست است که نیازهای مادی خانواده‌ی خود را در نظر بگیریم، متناسب با آن بودجه‌بندی کنیم، و با جدیت کار کنیم. اگر می‌توانید یک طرح پس‌انداز کالج ۵۲۹ باز کنید. در یک حساب پس‌انداز بازنشستگی (IRA) پول کنار بگذارید. برای تعمیر پشت‌بام خانه و یا بازسازی آشپزخانه پول پس‌انداز کنید. از سوی دیگر، به اندوختن دارایی‌های خود با روش‌های خودپسندانه، برگرفته از غرور، ترس یا طمع، آن‌گونه که عیسی مسیح در حکایت ثروتمند نادان به‌تصویر کشیده‌است، نپردازید (آیات ۱۳-۲۱).

خوب برنامه‌ریزی کنید و با آرامش پایبند باشید

خداوند ما را فرا می‌خواند تا نه با قدرت خویش و نه با محرزپنداری نابخردانه در مورد مشیت او، بلکه با تدبیری عاقلانه و متعادل زندگی کنیم. خوب برنامه‌ریزی کنیم، اما با آرامش پایبند آنها باشیم. طبق اراده‌ی آشکار او زندگی کنید، خود و عزیزانتان را به برنامه‌های مطلق او بسپارید. یعقوب ۴: ۱۳-۱۵ این پویایی را به‌خوبی به تصویر می‌کشد:

هان، ای کسانی که می‌گویید، امروز و فردا به فلان شهر خواهیم رفت و در آنجا یک سال بسر خواهیم برد و تجارت خواهیم کرد و نفع خواهیم بُرد- و حال آنکه نمی‌دانید که فردا چه می‌شود؛ از آنرو که حیات شما چیست؟ مگر بخاری نیستید که اندک زمانی ظاهر است و بعد ناپدید می‌شود؟ به عوض آنکه باید گفت که، اگر خدا بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم.

انتظار داشته باشید که گاهی اوقات، خداوند برنامه‌های ما را مختل کند و ما را به سرسپردگی فروتنانه در برابر اهداف پر محبت و نیکوی خود بخواند.

چگونه متوجه می‌شوید که دچار عدم تعادل شده‌اید؟ نخست، به دنبال قلب طغیان‌کرده‌ی خود باشید- و سوسه‌ها و شیوه‌های خاص زندگی که در قبل اشاره کردم که مرتبط با تاکید بیش از اندازه یا در مورد مسئولیت انسانی است یا حاکمیت خداوند. دوم، به دعا‌های خود در زندگی توجه کنید. اگر ضعیف باشد، شما می‌گویید (حداقل از لحاظ عملکردی) که برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات شخصی شما چیزهایی هستند که واقعا اهمیت دارند (حالت قدرت) یا اینکه واقعا اهمیتی ندارد که چه می‌کنید (حتی در دعا) زیرا خداوند به‌سادگی آنچه را که بخواهد انجام خواهد داد (حالت محرزپنداری).

آنچه انجام می‌دهیم اهمیت دارد. ما گمان نمی‌کنیم که خداوند خارج از فاعلیت ما در موردی خاص عمل کند. اما با نگاه متواضعانه به برنامه‌های خود، تصدیق می‌کنیم که "فکرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت خداوند است." (امثال سلیمان، ۱۹:۲۱). تنها او می‌تواند بگوید، "یقیناً به طوری که قصد نموده‌ام همچنان واقع خواهد شد. و به نهجی که تقدیر کرده‌ام همچنان به‌جا آورده خواهد گشت" (اشعیا ۱۴:۲۴). و این خبر خوبی است. اهداف حاکم و لغزش‌ناپذیر خداوند به ما آزادی و شجاعت داشتن دید برای آینده، برنامه‌ریزی، سخت‌کوشی، شکست جسورانه، پیروزی متواضعانه و اشتیاق ملاقات او را می‌دهد.

دکتر مایک املت عضو هیئت علمی بنیاد مشاوره و آموزش مسیحیت (CCEF) است. او نویسنده‌ی کتاب *CrossTalk and Descriptions and Prescriptions* می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک](#) منتشر شده است.